

فلانی برای این پست شایسته‌تر است!

اجازه بدهید درباره این جمله که «علاقه‌ای به وزارت اقتصاد ندارم» توضیح بدهم. منظورم از بیان این جمله این بود که عطش گرفتن پست وزارت اقتصاد را ندارم. بیشتر، خدمت و مؤثر بودن برایم مهم بود.

البته این را هم بگویم که خیلی‌ها در آن زمان این‌طور بودند و واقعاً هر پستی را قبول نمی‌کردند و می‌گفتند: «فلانی شایسته‌تر است». شاید فکر کنید این موضوعی که گفتم داستان است، اما به جرأت می‌گویم یک واقعیت بود. انصافاً داشتن مقام مهم نیست. اصولاً شرط داشتن مسئولیت در یک نظام ارزشی مانند جمهوری اسلامی، محرومیت از یک سری بهره‌مندی‌هاست که به طور طبیعی می‌توانید داشته باشید.

به هر حال کسی که وارد عرصه خدمت به مردم می‌شود نه تنها باید به دنبال منافع و امکانات بیشتر برای خود نباشد، بلکه باید توقع یک زندگی پایین متوسط داشته باشد و باید بسیاری از مسائل را بیشتر از دیگران رعایت کند. زیرا زیر نظر و سیل مردم و جامعه قرار می‌گیرد. برای مثال امام هیچ وقت اجازه ندادند حسینی‌ها جماران گجکاری شود و تا آخر، همان گچ و خاک ساده زینت بخش دیوارهای حسینی‌ها بود و دست‌اندرکاران صدا و سیما فقط برای بهتر شدن کیفیت عکس و فیلم‌ها، پشت سر امام را گجکاری و رنگ کرده بودند. یا در مورد مقام معظم رهبری همین روش ساده‌زیستانه در تمام وجوه زندگی ایشان به چشم می‌خورد.



بازسازی کارخانجات در زمان جنگ بلافاصله پس از بمباران

سیاست‌های اقتصادی دوران دفاع مقدس، با وجود فشارهای جنگ کاملاً فعال و وزارت اقتصاد خود را مسئول اقتصاد ملی دانسته و به دنبال رفع تکلیف صرفاً به عنوان نگهدارنده دارایی‌ها و دخل و خرج کشور نبود به نحوی که بازسازی کارخانه‌ها بلافاصله پس از بمباران آغاز می‌شد

گزارش

طی شماره‌های اخیر «ایران اقتصادی»، مباحثی از جلد دوم کتاب محرمانه‌های اقتصاد ایران به قلم مهدی و میثم مهرپور که حاوی گفت‌وگوهایی با محمدجواد ابروانی؛ وزیر اسبق اقتصاد کشورمان در سال‌های ۶۴ تا ۶۸ است پیرامون مباحثی از جمله تغییر سیستم بانکداری ایران و تدوین مقررات بر اساس اصول اسلامی، نحوه عملکرد آن روزهای وزارت بازرگانی و اقتصاد و همچنین روابط بین دولت و مجلس مطرح شد. در این شماره، ابروانی توضیحاتی درباره دیدگاه‌های اقتصادی خود داد و مباحثی درباره پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت ارائه کرد.

● در زمان وزارت شما ورود ایران به WTO مطرح نبود؟

نه اصلاً آن زمان سازمان تجارت جهانی تأسیس نشده بود و معاهده گات این مقوله را دنبال می‌کرد. اصولاً خاستگاه گات کلپ کشورهای قدرتمند صادرکننده است. اینکه ما بیاییم و در اوج واردات محوری عضو این سازمان بشویم،

پیوستن به این معاهده، پرتگاه سقوط برای تولید ملی خواهد بود.

● شما را آقای مهندس موسوی برای پست وزارت انتخاب کرد یا منتخب آیت‌الله خامنه‌ای بودید؟

وزرا را نخست‌وزیر معرفی و رئیس‌جمهور تأیید می‌کرد. پس از آن، شخص مورد نظر برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شد. من آن زمان عملاً در جناح‌های چپ و راست سیاسی که خیلی هم در آن برهه رایج بود، حضور نداشتم. لذا از این حیث مورد حمایت و توجه طیف یا جناح خاصی نبودم. مهندس موسوی هم بیشتر با توجه به اینکه بنده از طرف نیروهای انجمن اسلامی بانک‌ها و شورای هماهنگی انجمن‌های اسلامی بانک‌های کشور معرفی شده بودم، من را به مجلس معرفی کرد. البته قبل از آن جلسه‌ای با آقای مهندس موسوی داشتم و ایشان متوجه نگاه و دیدگاه من به مسائل اقتصادی شده بود.

● با مهندس موسوی از قبل آشنایی نداشتید؟ نه، ارتباطی با هم نداشتم.

● در جلسه‌ای که با نخست‌وزیر داشتید، چه گذشت؟ آقای موسوی چه سؤالاتی از شما پرسید و شما چه پاسخ‌هایی دادید که

وی متوجه شد دارای چه تفکرات اقتصادی هستید؟

ایشان از تفکرات اقتصادی من مطلع بود و بعد از کلیات راجع به چالش نظام اداری کشور پرسید. من هم پیشنهادهایی را در این باب ارائه کردم. اینکه هرم نظام اداری ما ارتفاع بالایی دارد و نظام تصمیم‌گیری در این هرم، خود به جای تسهیل، مانعی برای توسعه است. بنده در این جلسه نظرات و پیشنهادهای خودم را بیان کردم. ایشان نیز از من خواست که موارد مطرح شده را به صورت مکتوب به وی ارائه دهم که این کار را انجام دادم.

● دیدگاه‌های اقتصادی‌تان با نخست‌وزیر یکی بود؟ بالاخره هم شما نگاه چپ به اقتصاد داشتید و هم آقای موسوی.

دیدگاه من عدالت‌گرا بود و اختلافی با هم نداشتم.

● به هر حال شما جزو اقتصاددانان نهادگرا هستید؟ درست است؛ لیبرال که نیستید؟ درست است، خدا نکند لیبرال باشم. دیدگاه اقتصادی من اسلامی و نهادی است. زندگی مدیریتی من، این موضوع را تأیید می‌کند. زمانی که در وزارت بازرگانی هم بودم، با وجود اینکه اتحادیه‌های مختلف مثل ناشران، صحاف‌ها،

